

ستاره خراسانی سینما

به مناسبت زادروز ستاره اسکندری بازیگر خراسانی تئاتر و سینما



گروه فرهنگ

ستاره اسکندری؛ بازیگری که بیشتر شهرتش به دلیل بازی در مجموعه‌های تلویزیونی است، بیست‌وپنجم خردادماه سال ۱۳۵۳ در تربت حیدریه به دنیا آمد. این هنرمند سینما، تئاتر و تلویزیون که با بازی در سریال «ترگس»، بیش از پیش دیده شد، ایفای نقش در سریال‌های تلویزیونی را از سال ۱۳۷۳ آغاز کرد. او دانشجوی رشته مترجمی زبان انگلیسی بود، ولی فعالیت در عرصه تئاتر را به رشته تحصیلی‌اش ترجیح و از دانشگاه انصراف داد.

اسکندری سپس در دانشکده هنرهای زیبا به تحصیل در رشته هنرهای نمایشی مشغول شد و سال ۱۳۷۴ برای اولین بار در جشنواره‌ای دانشجویی برای تئاتر «افسانه» و سپس در سال ۱۳۷۶ برای نمایش «آخرین قهرمانان زمین» در جشنواره تئاتر فجر، نامزد جایزه شد. او از سال ۱۳۷۸ با نمایش «دندون طلا»؛ اثری از داوود میرباقری تئاتر را حرفه‌ای‌تر دنبال و این مسیر را با فعالیت در گروه تئاتر «دی» به سر پستی علی رفیعی آغاز کرد. هم‌زمان، بازی در سینما و تلویزیون را نیز پیش گرفت. این بازیگر باسابقه، افزون بر بازی در تئاتر، کارگردانی دو تله‌تئاتر را نیز بر عهده داشته و در چند نمایش هم به عنوان تهیه‌کننده فعالیت کرده‌است.

آثاری چون «مسافری»، «هیس! دخترها فریاد نمی‌زنند»، «نیمه شب اتفاق افتاد» و «سرو زیر آب» بخشی از این فیلم‌ها هستند. «قاتل وحشی» و «چپ راست» آخرین آثار سینمایی او به‌شمار می‌روند که سال ۱۳۹۸ ساخته شدند. بازی‌های خاطره‌انگیز این هنرمند در سریال‌های تلویزیونی «هرگ تدریجی یک رویا»، «فاکتور هشت»، «گیله‌وا»، «تورر خاموش» و «شوق پرواز» نیز مخاطبان بسیاری را پای جعبه جادویی نشاند و نام این مجموعه‌ها را در ذهنشان حک کرده‌است.

از جمله فعالیت‌های هنری او، تأسیس «خانه فرهنگ و هنر مانا» در سال ۱۳۹۶ و راه‌اندازی «خانه‌موزه خیمه‌شب‌بازی» با همراهی سیاوش ستاری در سال ۱۳۹۷ است. به حرکت درآوردن اولین ماشین خیمه‌شب‌بازی برای کودکان بلوچ در منطقه آزاد چابهار با هدف ایجاد شادی نیز از دیگر اقدامات جالب توجه این بازیگر دغدغه‌مند به‌شمار می‌رود.

فعالیت‌های هنری او در حدود ۲۷ سال تجربه کاری، جوایزی را نیز برایش به ارمغان آورده است. اسکندری که سابقه همکاری با بزرگانی همچون بهرام بیضایی، داوود میرباقری و محمد رحمانیان را در تئاتر داشته، در سال ۱۳۷۹ موفق شد جایزه بهترین بازیگر زن جشنواره تئاتر فجر را برای اثر «سعادت لرزان مردمان تیره‌روز» از آن خود کند و در ادامه، دومین جایزه خود را در سی‌وسومین دوره جشنواره تئاتر فجر به عنوان بازیگر برتر برای نمایش «هم‌هوایی» به دست آورد. همچنین، جایزه بهترین بازیگر زن انجمن منتقدان، بهترین بازیگر زن تلویزیون، بهترین بازیگر زن از جشنواره ردلاین کانادا و چند جشنواره دیگر، درسال‌های گوناگون، افتخاراتی را برای این هنرمند خراسانی به همراه داشته است.

وضعیت‌نامشخص‌اکران‌سینماها

سخن‌گوی شورای صنفی نمایش اعلام کرد که هنوز اکران هیچ فیلمی قطعی نشده‌است. به گزارش خبرگزاری صبا، در حالی که یک هفته تا شروع تیرماه و بازگشایی سینماها باقی مانده هنوز خبر رسمی مبنی بر اینکه چه فیلم‌هایی خود را در سی‌وسومین دوره جشنواره تئاتر فجر به فرجی سخن‌گوی شورای صنفی نیز دراین باره گفت: از آنجایی که هنوز نمایش هیچ فیلمی تایید نهایی نشده است ما نیز نمی‌توانیم اسامی را اعلام کنیم و درباره فیلم‌هایی که قرار است اکران شوند، اداره کل ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی باید تصمیم‌گیری کند.او تصریح کرد: با سرمایه‌گذاران هر فیلم باید صحبت کنیم تا ببینیم شرایط اکران را می‌پذیرند یا خیر. در نتیجه تا زمانی که انتخاب فیلم‌ها به تایید نهایی نرسیده، نمی‌توانیم درباره چشیش فیلم‌ها حرفی بزنیم.فرجی تاکید کرد: درباره افزایش قیمت بلیت‌ها هنوز تصمیم‌گیری نشده است.

گزیده‌ای از فیلم‌های سینمایی شبکه‌های مختلف صدا و سیما که امروز ۲۵ خردادماه روی آنتن تلویزیون می‌روند.

نام فیلم	شبکه	ساعت
دزدی که برای شام آمد	نمایش	۱۳
رودی کوهنورد	نمایش	۱۵
تله	نمایش	۱۷
قلعه پنهان	امید	۱۷:۳۰
قهرمانی پشت نقاب (قسمت یک)	نمایش	۱۹
گردشگر	نمایش	۲۱
یک سطر واقعیت	نمایش	۲۳

شهرت‌ها

روزنامه شهرامید و زندگی

اشبه

۲۵ خرداد ۱۳۹۹

۲۲ شوال ۱۴۴۱

شماره ۲۱۷۷

SHAHIRANNEWS.IR

۱۴



فره‌نگ

تصمیم داونژزاد برای اکران آنلاین «مصائب شیرین ۲»



علیرضا داودنژاد، کارگردان سینما که در روزگار کرونایی مشغول نگارش فیلم‌نامه «متل قو» است، اعلام کرد برای اکران «مصائب شیرین ۲» تصمیم را به شرکای فیلم واگذار کرده‌است. به گزارش ایسنا، این کارگردان درباره سرنوشت اکران «مصائب شیرین ۲» توضیح داد: تا وقتی سالن‌های سینما باز بودند که «مصائب شیرین ۲» فرصتی برای نمایش پیدا نکرد. در شرایط فعلی هم قبلاً اعلام کردم تصمیم را به شرکای فیلم در فیلمیران و فارابی واگذار

کرد‌هم.

او نظرش درباره اکران آنلاین را نیز این‌گونه بیان کرد: اکران آنلاین اگر از نظر زیرساخت اینترنتی و امنیت بازار و معرفی و تبلیغ فیلم‌ها درست عمل کند به مخاطبان فراوانی در سطح کشور دست پیدا خواهد کرد و شرایط برای تولید و توزیع نمایش فیلم‌های ایرانی دگرگون می‌شود. داودنژاد خاطر‌نشان کرد: عمده بازار سینمایی ما در واقع محدود به تهران و ۱۲–۱۰ شهرستان است، اما اکران آنلاین در سراسر کشور می‌تواند مخاطب داشته باشد. نمی‌دانم چرا تا به حال مدیریت

مردم‌داری در سیره رضوی

در حاشیه کارگاه گرافیک سه روزه مردم‌داری و کرامت انسانی در سیره رضوی، با عنوان هم‌دلی

امیرمنصور رحیمیان

گزارش روز

هنر، اشکال متفاوتی دارد. بعضی‌هایش خیلی توی چشم‌اند، کاربرد زیاد دارند، زیاد دیده می‌شوند و بعضی‌هایش زیاد اهل محل برگزاری این مهمانی! کتابخانه‌ای گوشه‌نشسته و درحالی‌که پا روی پا انداخته‌اند دارند چایشان را می‌نوشند! گرافیک هم یکی از این شکل‌هاست. شکلی از هنرهای بصری و تجسمی که خیلی توی چشم است و هر طرف که سر می‌چرخانید، می‌توانید مصادیقش را ببینید. از تابلوهای تبلیغاتی کوچک و بزرگ در شهر گرفته تا جلد کتاب‌ها، صفحات مجلات، پوستر فیلم‌ها، اعلان‌های به دیوار چسبیده، بسته‌بندی‌های کوچک وبزرگ محصولات مختلف و حتی چیزهای خیلی ساده‌تر و دم دستی‌تر مثل طرح روی لباس‌ها هم حاصل فعالیت هنرمندان گرافیکست‌است. هنری که بسته به نوع و موقعیتش در بین جامعه، غالب مواقع شوخ و شنگ، قیراق و بازگوش و پاره‌ای اوقات، غمگین و متفکر است. به نظر لازمه بودن و ماندن در بستر جامعه، همین جوان، قیراق و متفاوت بودن است. ولی متفاوت بودن سخت‌ترین قسمت کار یک هنرمند است. ایجاد تفاوت در چشم بیننده حرفه‌ای، به همین راحتی هم نیست. برای این منظور هنرمند باهم بداند دنبال چه می‌گردد و چه می‌خواهد و عمیقاً به همان مطلبی که در موردش کار هنری تولید می‌کند، اشراف و اعتقاد داشته‌باشد.

اما همه این مقدمه برای این بود که عرض کنم، جمعه گذشته، اختتامیه کارگاه گرافیکی سه روزه‌ای بود که به همت بنیاد بین‌المللی فرهنگی هنری امام رضا(ع)، در مشهد برگزار شده بود. از چهارشنبه ۲۱ خرداد تا جمعه ۲۳ خرداد، آدم‌های خبره و کاربلد این فن، مهمان این بنیاد و شهر امام رضا (ع) بودند و آمده بودند تا در نگاه آدم‌ها تفاوت

ایجاد کنند. تفاوتی با موضوع «هم‌دلی

و مردم‌داری در سیره رضوی» و قرار بر این شده است که محصول دست و پنجه و فکر گرافست‌های شرکت‌کننده در این کارگاه را در شبکه‌های مجازی و شهر به تماشا بگذارند. با اطلاع از این موضوع رفتم تا ببینم در این کارگاه چه می‌گذرد. محفل برگزاری این مهمانی! کتابخانه‌ای مدرن در خیابان آخوند خراسانی، نزدیک بقعه پیر پالان‌دوز یا همان گنبدسبز خودمان در محله‌ای اصیل و قدیمی نزدیک به حرم بود. اگر ساختمان را دیده باشید، کتابخانه‌ای با معماری جالب و درست و درمان است. این را هم باید عرض کنم این ویروس کرونا، واقعاً چیز منحوسی است. همه‌چیز را تحت‌الشعاع قرار داده است و رد پایش همه‌جا دیده می‌شود، حتی در کتابخانه! به‌هرحال بعد از ضدعفونی دست‌ها و تحویل گرفتن ماسک و دستکش، از پله‌های سمت چپ پایین رفتم. به محوطه عریض و طولیی رسیدم که گوشه‌اش یک میز که رویش سماور و لیوان چیده بودند و چند صندلی پراکنده در آن قرار داشت و تеш می‌رسید به سالن قدری کوچک‌تر که شبیه سالن اجتماعات بود. با دیدن آن‌همه آدم که بعضاً با ماسک و دستکش یک‌جا جمع شده بودند، در دلم یک‌طور شادی‌ای شروع به ورجه وورجه کرد. آدم‌هایی که در دسته ۳ یا چهار نفری نشست‌ه بودند دور یک میز و داشتند باهم صحبت می‌کردند و جلوی هر کدامشان هم یک رایانه باز بود. خوشحال بودم از اینکه اگر آدم بخواهد، هیچ‌چیز نمی‌تواند از هدفش دورش کند و اینکه این هدف همین بغل گوش خودمان در مشهد دارد اتفاق می‌افتد. به هر حال، برای آدم کنجکاوی مثل من چند لحظه طول کشید تا بتوانم همه میزها را دور بزنم و سر از کار بقیه در بیارم. خوبی گرافیک این است که کارگاهش شبیه هیچ کارگاه دیگری نیست. در اجتماع نقاشان یا خطاطان یا هنرمندان دیگر نمی‌شود این‌همه تنوع را دید. اینجا همه

مشغول یک فعالیت متفاوت، با یک هدف مشترک بودند. بعضی‌ها داشتند نقاشی می‌کشیدند. بعضی دیگر خط می‌نوشتند. برخی در حال کلاژ کردن چند تکه کاغذ بودند و بعضی‌ها هم عکاسی می‌کردند و جالب اینکه همه‌شان آخرکار به رایانه‌شان وصل می‌شدند تا محصول نهایی را آماده کنند. ولی برابیم یک‌چیز عجیب به نظر آمد. چیزی که تا آن روز کمتر دیده بودم و با آن کمتر برخورد داشتم. طلبه‌هایی که ملبس و معمم پشت رایانه نشست‌ه و درحال کار کردن بودند. آن‌هم نه کار معمولی، کار حرفه‌ای

دولتی و صنفی سینما برای سروسامان دادن به اکران آنلاین اقدام جدی و هماهنگی نکرده‌است. ما هنوز حتی به فهرست روشنی از فیلم‌های متقاضی و در حال نمایش دسترسی نداریم و آمار فروش فیلم‌ها نیز اطلاع‌رسانی شفاف نمی‌شود. این کارگردان در ادامه از نگارش فیلم‌نامه «متل قو» خبر داد: سریال «متل قو» به سرگذشت اولین شهر ساحلی توریستی ایران می‌پردازد که در پیش از انقلاب به دست «جمشید جوانشیر» بنیان گذاشته شد و همچنین از روزگاران امروزی آن حکایت می‌کند که هنوز مورد علاقه و توجه مردم

است و در ایام تعطیل از همه‌جای ایران و مخصوصاً تهران به سمت آن سرازیر می‌شوند. او درباره نوع داستان‌ها و حال‌هوای این سریال گفت: «مصائب شیرین»، «هو»، «تیغ زن»، «کلاس هنرپیشگی» و «فراری» از جمله فیلم‌هایی هستند که می‌توانند به عنوان نمونه‌های دور و نزدیکی از ماجراهای این سریال باشند. داودنژاد یادآور شد که اکنون مشغول طراحی و نگارش فیلم‌نامه این سریال است و تلاش می‌کند تا پاییز آن را برای تولید آماده کند.



آدم‌هاند تا پیغامی را برای آدم‌های دیگر رمزگشایی کنند و برایشان از چیزی حرف بزنند که کمتر شنیده شده است. آن‌قدر نگاه کردن را طولش دادم که زمان را گم کردم. یکی از اهالی آنجا، نگاه کنجکاوم را دید و خواست کمک کند. طلبه‌ای جوان بلند شد و با خنده و ادب خواست تا دبیر کمکی کرده باشد. از او خواستم تا دبیر کارگاه و همایش را به من معرفی کند. به سمت آقایی اشاره کرد که خیلی سرش شلوغ بود و مدام تلفنش زنگ می‌خورد و

گرافیک. من همه جور هنرمندی را از

ما احادیث زیادی از حضرت رضا (ع) درباره سیره و رفتارهای ایشان داریم که همه آن‌ها حاکی از مردم‌داری و عشق و دلسوزی به مردم است. اما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که به این ویژگی‌های اخلاقی کمتر توجه می‌شود

نزدیک دیده‌ام. طلبه‌های هنرمند هم کم ندیده‌ام ولی اینکه با لباس پیامبر(ص) بپایند پای کار، ندیده‌ام. انگار اینجا هدف بزرگ‌تر و جهادی‌تر است. انگار



را. سکانس‌های تلویزیونی بیمارستان و موقعیت‌های شبه کم‌دی محل سازمانده‌ی پیک‌های موتور ی نیز بخش‌هایی هستند که صرفاً برای زیاد شدن زمان اثر به آن اضافه شده‌اند و نقشی در پرداخت کاراکترها ندارند. بدتر از همه، پرداخت طولانی فیلم به مکالمات اسکایی فرید با پسرش که در خارج زندگی می‌کند، بدون کارکرد و کاملاً حذف شدن ی از قصه به نظر می‌رسد و مشخص نیست چرا مخاطب باید به آن‌ها گوش کند. شروع ضعف‌های عجیب «بهت» را باید در نسبتش با فیلم‌نامه سهل‌انگار آن بفهمیم. فیلمی که ادعای ارائه یک خوانش متفاوت از موضوع لقا ح مصنوعی را دارد، با پرداخت سطحی شخصیت‌ها آغاز می‌شود و سعی می‌کند با تمرکز بر صفاتی بزرگنمایی شده

کار سعی می‌کند حس کنجکاوی بیننده را برانگیزد؛ اما پی‌رنگ اصلی‌اش نجیفت‌تر از آن است که بتواند بیننده عام را یک ساعت‌ونیم پای کار نگه دارد و به همین دلیل به دام کشدار شدن وافت آزادرنده رنتم می‌افتد. فرآیند آب بستن در این فیلم، اگرچه در متن کار بافته شده و کلیت اثر نمی‌تواند خودش را از این اتهام تبرئه کند، اما در چند موقعیت، بیشتر به چشم مخاطب می‌آید. رن‌یشن‌های مصنوعی که حاوی نجواهای آتنا با دختر متولد نشده‌اش هستند، در حالی بخشی از زمان فیلم را هدر می‌دهند که نگارش آن‌ها بی‌دقت و دم‌دستی انجام شده تا جایی که بیشتر محتویات دفترچه یادداشت یک دختر نوجوان عاشق‌پیشه را اداعی می‌کنند تا درونیات زنی جاافتاده و صاحب تجربه

فیلم‌های خاک گرفته و اکران نشده‌ای که امید چندانی هم به گیشه ندارند، تبدیل شده‌است.

فیلم تازه عباس رافعی برای شروع از یک موضوع اجتماعی که سینما و تلویزیون طی سال‌های اخیر به اندازه کافی از آن بهره گرفته‌اند، استفاده می‌کند. اما مسئله ر حرم اجاره‌ای که از سوی گروه قبلی از مردم هنوز به عنوان یک روش بارداری قانونی پذیرفته نشده، به تنهایی برای تولید یک فیلم سینمایی بلند کافی نیست و از همین روست که حدوداً نصف مدت زمان «بهت» با ترفندهای نامعقول پر می‌شود. فیلم با یک حقه‌ناشیانه در قالب آدرس غلط زشتی که با دیالوگ «چه تو تو شکم زن من چیکار می‌کنه؟» به مخاطب می‌دهد، در ابتدای

فیلم سینمایی

«رگ‌های آبی

فروغ فرخزاد»

اولین تجربه

کارگردانی

جهانگیر کوثری

در تیریز کلید

می‌خورد.

کوثری

پیش از این

تهیه‌کنندگی

آثاری چون

«زیر پوست

شهر»، «خون

بازی»، «اشباح»

نسل

جادویی»

و «ترگس»

رابرعهده

داشته‌است.